

## یادداشت

## معاش و منش

**دوگانگی دلالی و خدمت در جامعه امروز ایران**

## حامدخانجانی

**دانش‌آموخته‌فلسفه‌اخلاق**

معاش نه‌فقط تأمین خوراک و پوشاک، که آینه تمام‌نما از درون‌مایه روانی و اخلاقی افراد است. هم ساخته می‌شود از روحيات و هم روحيات را می‌سازد. در این چرخه دوسویه، دو الگوی شغلی متضاد، یکی «دلالی محض» که با پول و نوسان آن معامله می‌کند و دیگری «خدمت مولد» در قالب صنعت، کشاورزی، آموزش یا درمان، منش‌هایی کاملاً متفاوت پرورش می‌دهند. حال سؤال این است: در جامعه امروز ایران، ستیز و همزیستی این دو روحیه چه نقشی در شکل‌دهی به زیست جمعی ما ایفا کرده است؟ از منظر روان‌شناختی، دلال در افسق کوتاه‌مدت سود زندگی می‌کند. شخصیت او با حرص هوشمندانه، تحمل ابهام و گسست عاطفی از کالا یا انسان شکل می‌گیرد. برای او همه چیز «قیمت» دارد، نه «ارزش». در مقابل، فرد خدماتی، چه کشاورز باشد، چه صنعتگر یا معلم، پیوندی درونی با فرایند و بیرون‌داد کار خود دارد. کشاورز به زمین و محصول و مهندس به فرایند و ساخته مرتبط است. او صبر، تعلق خاطر و لذت‌بردن از رشد تدریجی را تجربه می‌کند. روان او با اهداف بلندمدت و معنای درونی کار تغذیه می‌شود، نه با هیجان لحظه‌ای سفته‌بازی. از سویی، رویکرد اخلاقی این دو منش را از هم جدا می‌کند. اخلاق خدمت بر پایه مسئولیت، تعهد و همکاری استوار است. پزشک به بیمار و معلم به نسل آینده پاسخ‌گوست. اما اخلاق دلالی، اگر نگوئیم ضداخلاقی، دست‌کم اخلاق‌گریز است؛ وفاداری و امانت‌داری در آن کارکردی ندارند. مگر به اندازه‌ای که سود بیفزایند. در جامعه دلالی، قرارداد اجتماعی «جای خود را به فرصت‌طلبی دانمی» می‌دهد و اعتماد افقی میان افراد از میان می‌رود. حال به جامعه ایران بنگریم. دهه‌ها تورم مزمن، نوسان ارز، سودآوری افسارگسیخته واسطه‌گری در مسکن، خودرو، طلا و ارز و نیز اقتصاد رانتی مبتنی بر مجوز و رابطه، همگی زمینه مساعدی برای رشد روحیه دلالی فراهم کرده‌اند. نتیجه آنکه بسیاری از جوانان مستعد، دیگر رغبتی به آموختن حرفه‌ای دشوار یا تحمل زحمت طولانی مدت ندارند. دلالی خُرد به بخششی از فرهنگ روزمره بدل شده. هر کسی سعی می‌کند از شکاف قیمت‌ها بهره ببرد، حتی اگر در ظاهر شغل خدماتی داشته باشد. این مسئله باعث «فرسایش اخلاق کار» و «بی‌کیفیتی تولیدات داخلی» شده است. پزشکی که با نسخه‌نویسی بی‌رویه سهم‌خواهی می‌کند، مهندسی که به جای طراحی و نظارت واقعی و اجرای اصولی، پیمان‌ها را زیربوستی می‌فروشد و کارمندی که وقت اداری خود را به دلالی ملک می‌گذراند، همگی نشانه‌های نفوذ روحیه دلالی در قشرهایی است که به‌ظاهر خدماتی محسوب می‌شوند. در عین حال، روحیه خدماتی در ایران هرگز کاملاً رخت برنشته است. در حاشیه‌های اقتصاد رسمی و حتی در دل بحران‌های بزرگ، ستون‌های جامعه ایران همچنان بر دوش کنانوزار زحمتکش نانوابان متعهد، معلمان دلسوز، پرستاران شب‌بیدار و صنعتگران کارگاه‌های کوچک استوار مانده است. این گروه‌ها در سیل، کرونا و کمبود انرژی، بدون چشم‌داشت و با تکیه بر اعتماد متقابل، جان جامعه را نجات داده‌اند. آنها با عمل خود یادآوری می‌کنند که دلالی تنها راه راست نیست. از منظر جامعه‌شناختی، این قشر «سرمایه اجتماعی» واقعی را تولید می‌کنند؛ شبکه روابط مبتنی بر همکاری پایدار و مسئولیت‌پذیری درازمدت. در مقابل، جامعه مبتنی بر دلالی، سرمایه‌ای جز «شبکه نفوذ و رانت» ندارند که نگه‌نده و خورنده خود است. با این حال، این دو روحیه همواره در تقابل نیستند؛ بلکه در یک تنش دایکتیکی جامعه را شکل می‌دهند. امروز بسیاری از افراد طبقه متوسط، به ناچار و برای حفظ ارزش دارایی خود، دست به دلالی خُرد می‌زنند (خرید طلا، سکه، ارز). این رفتار نه از روی منش دلالی، بلکه از سر «واکنش به شرایط» است. اما همین واکنش، ناخواسته منش دلالی را در فرد پرورش می‌دهد و این همان چرخه باطلی است که از منظر روان‌شناختی خطرناک است. زیستن در شرایط تورمی، انسان را بدل به دلالی می‌کند که از خود بیزار است. نتیجه، بحران معنا و افزایش افسردگی شغلی است. پرستاری که پولش ارزش خود را از دست می‌دهد، احساس می‌کند «آب در هاون می‌کوبد» و به تدریج با از حرفه کنار می‌کشد، یا روحیه خدماتی‌اش تحلیل می‌رود. از منظر اخلاقی، نجات جامعه ایران نیازمند بازتولید آگاهانه روحیه خدماتی است. اما این بازتولید بدون تورم مهار، ساماندهی بازارهای مالی و کاستن از سود دلالی محقق نمی‌شود. تا زمانی که معیشت، دلالی را سودآورترین و آسان‌ترین مسیر نشان دهد، نمی‌توان انتظار داشت که منش جمعی به سمت تولید و خدمت گرایش یابد. سیاست‌گذاری اقتصادی، در حقیقت سیاست‌گذاری برای «نوع انسان» است. هر نظام معاشی، روحيات خاص خود را می‌پروراند. جامعه ایران امروز صحنه نزاع دو روحیه متضاد است؛ از یک سو، فرهنگ دلالی که پیوندهای اجتماعی را از هم می‌گسلد و اخلاق کار را نابود می‌کند و از سویی دیگر، باقی‌مانده تاب‌آور روحیه خدماتی که هنوز در کارگاه‌ها، مزارع، بیمارستان‌ها و کلاس‌های درس نفس می‌کشد. اینکه کدام یک پیروز شود، سرنوشته «ایران فردا» را رقم خواهد زد. آنچه مسلم است، بازگشت به تعادل نیازمند آگاهی جمعی از این رابطه دوسویه میان معاش و منش است. آگاهی‌ای که می‌تواند از انتخاب‌های فردی و مطالبات مدنی شروع شود و به تغییر ساختارها بینجامد.

بایبید بدون تعارف و بسا عدد و رقم حرف بزنیم. ایران یکی از پرمصرف‌ترین کشورهای جهان در حوزه انرژی است. شدت مصرف انرژی در ایران (یعنی میزان انرژی‌ای که برای تولید هر واحد از تولید ناخالص داخلی مصرف می‌شود) بیش از میانگین جهانی است. براساس آمارهای رسمی، ایران با داشتن حدود یک درصد از جمعیت جهان، بیش از دو درصد کل انرژی دنیا را مصرف می‌کند. این یعنی ما دو برابر سهم خود از سفره انرژی جهان را مصرف می‌کنیم و بیش از همه به خودمان و کشور آسیب می‌زنیم. اما ماجرا فقط به کمیت مصرف محدود نیست؛ الگوی مصرف ما به شدت ناکارآمد و اسراف‌آمیز است. ما در زمستان‌ها برای گرم‌کردن خانه‌هایی‌که عایق‌بندی مناسبی ندارند، گاز را چنان می‌سوزانیم که گویی کولر برایی در کار نیست. در تابستان‌ها، کولرهای گازی فرسوده و پرمصرف، شبانه‌روز برق را می‌بلعند. در بخش صنعت، کارخانه‌هایی با تکنولوژی دهه‌های گذشته، انرژی را هدر می‌دهند و در بخش کشاورزی، آبیاری غرقابی، هم آب را نابود می‌کند و هم برق را. این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که ایران امروز با یک بحران جدی و فزاینده در تأمین انرژی مواجه است. منابع گاز و نفت ما، اگر چه هنوز قابل توجه‌اند، اما ته‌نشیني ندارند. برداشت بی‌رویه از میدان‌های مشترک، فشار مخازن را کاهش داده و هزینه استخراج را روزبه‌روز بالاتر می‌برد. از سوی دیگر، تحریم‌های ایران‌ستیزانه بین‌المللی، توان ما برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و به‌روزرسانی زیرساخت‌های فرسوده انرژی را به‌شدت محدود کرده است. نتیجه این معادله ساده و هراس‌آور است: تولید انرژی به سختی و با هزینه‌های سرسام‌آور حفظ می‌شود. درحالی‌که مصرف در برخی بخش‌ها همچنان افسارگسیخته بالا می‌رود. شکاف میان تولید و مصرف دارد به پرتگاهی تبدیل می‌شود که سقوط در آن، خاموشی‌های گسترده، قطع گاز صنایع و فلج‌شدن زندگی روزمره را به همراه خواهد داشت.

**صرفه‌جویی؛ نه ریاضت حکومتی، که تدبیر منافع ملی**

در این نقطه، اجازه دهید مرز میان دو مفهوم را روشن کنیم: «صرفه‌جویی» با «ریاضت» فرق دارد. ریاضت یعنی دولت به دلیل ناکارآمدی خود، مردم را مجبور به تحمل سختی و کاهش سطح زندگی کند که در بخش‌هایی می‌کند. اما صرفه‌جویی یعنی مصرف هوشمندانه و حذف هدررفت‌ها، بدون آنکه لزوماً از رفاه و آسایش ما کاسته شود. به زبان ساده، صرفه‌جویی یعنی خاموش‌کردن لامپ اضافی، نه نشستن در تاریکی. یعنی بستن شیر آبی که بی‌مورد باز مانده، نه تشنه‌ماندن. یعنی استفاده از وسایل با بازدهی بالا، نه کنارگذاشتن زندگی مدرن. حال سؤال اینجاست: این صرفه‌جویی به نفع کیست؟ بله، دولت هم از کاهش فشار بر شبکه انرژی منتفع می‌شود. اما منافع مستقیم بلندمدت آن، در درجه اول به وجه، سلامت و آینده خود ما مربوط است. بایبید این منافع را بشکافیم.

**۱. قدرت ملی و امنیت کشور**

انرژی، خون در رگ‌های اقتصاد و امنیت ملی است. کشوری که نتواند انرژی مورد نیاز صنایع، بیمارستان‌ها و شبکه حمل‌ونقل خود را تأمین کند، سلاج می‌شود. هر مترمکعب گازی که ما بیهوده می‌سوزانیم، یعنی کم‌کردن سهمیه یک کارخانه که می‌توانست محصولی صادراتی بسازد و برای کشور آرزوی کند. هر کیلووات برقی که هدر می‌رود، یعنی کسدمش‌توان پدافندی، ارتباطی و خدماتی کشور. صرفه‌جویی ما، مستقیم قدرت مانور کشور را در برابر تهدیدها و تحریم‌ها بالا می‌برد. این یک کنش میهن‌پرستانه است و صدها بار بهتر از رفتارهای نمایشی و هیجانی. نتیجه هم روشن است: کاهش وابستگی به بودجه شکننده انرژی و آزادکردن منابع برای توسعه پایدار.

**۲. حفظ محیط زیست و منابع برای نسل‌های آینده**

سوزاندن سوخت‌های فسیلی، عامل اصلی آلودگی هوا و گرمایش زمین است. کلان‌شهرهای ایران، سال‌هاست در چنگال آلودگی خفه‌کننده زمستانی دست‌وپا می‌زنند که عامل اصلی مرگ زودرس ده‌ها هزار نفر در سال و بیماری‌های تنفسی و قلبی است. هر لیتربنزین کمتر، یعنی هوای پاک‌تر برای ریه‌های فرزندانمان. اما از این مهم‌تر، نفت و گاز، میراث بین‌نسلی ماست. این منابع، ثروتی است که متعلق به نسل‌های آینده



# دولت–ملت و مدیریت منابع

## نگاهی صرف‌ملی به صرفه‌جویی در انرژی

### حسن فتاحی، زهرا محبی‌پورکانی

همه ما این روزها با واژه «صرفه‌جویی» مواجه می‌شویم. از تلویزیون و رادیو، تا پیامک‌های دولتی و تریبون‌های رسمی و شخص رئیس‌جمهور. آن قدر این واژه تکرار شده که دیگر برای افراد بی‌معنا شده؛ اما امروز می‌خواهیم از شما دعوت کنیم که برای دقایقی، فرستنده پیام را فراموش کنید. بایبید به خود پیام نگاه کنیم. بحران کمبود انرژی در ایران، یک شعار سیاسی نیست؛ یک واقعیت فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی است که زندگی تک‌تک ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد. مستقل از اینکه چه کسی مدیریت می‌کند. ما این مقاله را نمی‌نویسیم تا از دولت دفاع کنیم، می‌نویسیم چون باور داریم صرفه‌جویی، نه یک انتخاب، که یک «ضرورت ملی» برای ایران امروز است و مسئله ما «ایران» است. ضرورتی که نادیده‌گرفتنش، ما را نه در برابر دولت، که در برابر تاریخ و فرزندانمان شرمنده خواهد کرد.

نیز هست. این امانت را نباید یک‌شبه و در کوره‌های گرمایشی و باک‌خودروهای تک‌سرشتین و بی‌کیفیت خودروهای داخلی و خودروهای وارداتی کم‌کیفیت، دود کنیم و به هوا بفرستیم. همان‌طورکه یک ضرب‌المثل قدیمی بومیان آمریکا می‌گوید: «ما زمین را از پدرانمان به ارث نبرده‌ایم، بلکه از فرزندانمان به امانت گرفته‌ایم».

**۳. تاب‌آوری اقتصادی و معیشت خانوار**

در نهایت، صرفه‌جویی یعنی پول بیشتر در جیب خودمان با تمام ناکارآمدی‌هایی که در اقتصاد کشور شاهدش هستیم، در کشوری با تورم بالای مزمن. کاهش قبوض آب، برق و گاز، به معنای واقعی کلمه به نفع معیشت خانوار است. اگر هر

خانواده ایرانی تنها ۱۰ درصد از مصرف انرژی خود بکاهد، نه‌تنها میلیارد‌ها تومان از هزینه‌هایش کم می‌شود، بلکه فشار از روی بودجه دولت نیز برداشته می‌شود و امکان سرمایه‌گذاری در بخش‌های بهداشت، آموزش و زیرساخت فراهم می‌شود و البته مردم باید دولت‌ها را وادار به پاسخ‌گویی کنند. این یک چرخه مثبت است: مصرف کمتر، صورت حساب ارزان‌تر، پول بیشتر برای پس‌انداز یا هزینه‌های ضروری و اقتصادی مقاوم‌تر در وضعیت دشوار کنونی که ناگفته نماند چندین و چند سال به درازا کشیده است.

**۴. کولر آبی را دور گُند و با سایه‌بان استفاده کنید.**

● لامپ‌های پرمصرف التهابی را با لامپ‌های LED کم‌مصرف جایگزین کنید که ۸۰ درصد برق کمتری مصرف می‌کند.

● کولر آبی را در دور گُند و با سایه‌بان استفاده کنید. کولرهای گازی پنجره‌ای، غول‌های برق‌خواری هستند که در

صورت امکان باید با انواع اینورتردار جایگزین شوند، یا دامی آنها روی ۲۴ درجه و بالاتر تنظیم شود. ● وسایل برقی را به‌طورکامل خاموش کنید و از حالت آماده‌بکار (Standby) خارج کنید. همین چراغ قرمز کوچک تلویزیون، در طول سال مصرف برق قابل توجهی دارد.

● از سیم‌های رابط کلدیدار استفاده کنید تا با یک کلیک، چندین وسیله را از مدار خارج کنید.

● در زمستان، به‌جای بازکردن یک پنجره برای تهویه، دریچه‌های کاهنده فشار را تنظیم کنید یا برای دقایقی کوتاه، چند پنجره را باز و بسته کنید.

● پوشیدن لباس گرم در خانه را به یک فرهنگ تبدیل کنیم و دمای «رفاه دمایی خانگی» را یک یا دو درجه کاهش دهیم. کاهش هر یک درجه، حدود شش درصد از مصرف گاز می‌کاهد.

## روش‌ها

## دولت-ملت و مدیریت منابع

● وسایل گرمایشی را بازآمد دوره‌ای کنیم. یک مشعل رسوب‌گرفته، گاز را ناقص می‌سوزاند و هم انرژی هدر می‌دهد و هم خطر گازگرفتگی ایجاد می‌کند.

در حوزه آب:

● آب، مترادف برق و انرژی است. هر قطره آبی که از شیرباز می‌آید، انرژی زیادی برای استخراج، تصفیه و پمپاژ آن مصرف شده. دوش‌های کوتاه‌تر، بستن شیر هنگام مسواک‌زدن، و استفاده از ماشین لباس‌شویی و ظرف‌شویی با ظرفیت کامل، سهم بزرگی در کاهش انرژی ملی دارد. ناگفته نماند که بخش عمده‌ای از آب در ایران به سه شکل هدر می‌رود که مسئولیت آن بر عهده دولت است و باید اصلاح کند. نخست آب مجازی است. دیگری آب کشاورزی و آب مورد استفاده در صنعت و سومی هدررفت آب در اثر فرسودگی شبکه.

در حوزه حمل‌ونقل:

● حتی‌الامکان از خودروی تک‌سرشتین استفاده نکنیم. تردد با وسایل نقلیه عمومی، دوجرجه‌سواری یا پیاده‌روی را در برنامه روزانه قرار دهیم. ● رانندگی با سرعت مجاز و پرهیز از شتاب و ترمز ناگهانی، تا ۲۰ درصد مصرف سوخت را کاهش می‌دهد.

**بازسازی اعتماد، از مسیر مسئولیت مشترک**

کاملاً می‌فهمیم که چرا بسیاری از مردم به دولت در موضوع صرفه‌جویی بدبین هستند. آنها می‌پرسند: «وقتی فلان نهاد پرمصرف، برق و گاز را هدر می‌دهد، چرا ما باید صرفه‌جویی کنیم؟ وقتی خبری از فساد اقتصادی می‌شویم، چرا باید قبوض گران را با کم‌مصرفی جبران کنیم؟». اینها سؤال‌های بحق و مشروعی هستند که پاسخی جز اقدام و شفافیت ندارند. دولت باید پیش‌قدم شود و الگوی مصرف در نهادهای خود را اصلاح کند. اما نکته اینجاست که ناکارآمدی دولت، مجوزی برای ناکارآمدی ما نیست. اگر دکتر به ما بگوید سگبار نکشید، ما به او نمی‌گوییم «چون خودت هم شاید یک روز سگبار کشیده باشی، پس من به حرفت گوش نمی‌دهم و به کشیدن ادامه می‌دهم». چون آسیب سگبار، اول از همه به ریه‌های خودمان می‌رسد. آسیب اسراف انرژی هم فارغ از اینکه چه کسی و با چه انگیزه‌ای هشدار می‌دهد.

به زندگی، معیشت و آینده خودمان و ایران ضربه می‌زند. مسئولان و مدیران کشور، باید با شفافیت و اقدامات واقعی و نه نمایشی، اعتماد عمومی را ترمیم کنند. اما این یک خیابان دوطرفه است. ما به عنوان یک ملت، برای عبور از این روزهای سخت تاریخی، نیازمند یک پیمان همگانی میان خودمان هستیم. پیمانی میان مردم و مردم، و مهم‌تر از آن، میان هرکس با خودش. بایبید فراتر از گلایه‌ها و اعتراضات کاملاً برحق سیاسی، دست به کاری بزنیم که شدنی است. صرفه‌جویی، حلقه گمشده‌ای است که می‌تواند ما را به صرفه‌جویی تبدیل کند. ما به خاطر فرزندانمان، و به خاطر شان و آینده خودمان، کم‌ربندهایمان را سفت کنیم. از همین امروز، از همین خانه‌های خودمان.

<b>۴</b>	<b>۱</b>	<b>۶</b>	<b>۲</b>	<span> </span>	<span> </span>
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>
<b>۹</b>	<b>۶</b>	<b>۵</b>	<b>۸</b>	<span> </span>	<span> </span>
<b>۲</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۴</b>	<b>۵</b>	<b>۹</b>
<span> </span>	<span> </span>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<span> </span>
<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۵</b>	<b>۳</b>	<b>۴</b>	<b>۸</b>

<b>۱</b>	<b>۹</b>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>
<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۱</b>	<b>۷</b>	<b>۴</b>	<b>۳</b>
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>
<b>۲</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۶</b>	<b>۲</b>	<b>۵</b>
<span> </span>	<span> </span>	<b>۲</b>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>
<b>۵</b>	<span> </span>	<b>۳</b>	<b>۵</b>	<b>۷</b>	<b>۱</b>
<b>۷</b>	<b>۳</b>	<b>۵</b>	<b>۲</b>	<b>۸</b>	<b>۱</b>
<b>۱</b>	<b>۳</b>	<b>۷</b>	<b>۲</b>	<b>۵</b>	<b>۹</b>

**سودوکو سخت ۴۳۱۴**

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

**سودوکو ساده ۴۳۱۴**

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهایی بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاب می‌رسد.

**جدول ۵۳۱۸ طرح: بیژن گورانی**

**حل سودوکو ۴۳۱۳**

<b>۳</b>	<b>۱</b>	<b>۹</b>	<b>۵</b>	<b>۴</b>	<b>۲</b>	<b>۷</b>	<b>۶</b>	<b>۸</b>
<b>۵</b>	<b>۲</b>	<b>۶</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۳</b>	<b>۱</b>	<b>۹</b>	<b>۴</b>
<b>۴</b>	<b>۷</b>	<b>۹</b>	<b>۱</b>	<b>۶</b>	<b>۳</b>	<b>۵</b>	<b>۲</b>	<b>۸</b>
<b>۱</b>	<b>۳</b>	<b>۲</b>	<b>۴</b>	<b>۹</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>
<b>۸</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۱</b>	<b>۲</b>	<b>۵</b>	<b>۹</b>	<b>۴</b>	<b>۳</b>
<b>۹</b>	<b>۴</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۳</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۲</b>	<b>۱</b>
<b>۲</b>	<b>۹</b>	<b>۴</b>	<b>۳</b>	<b>۵</b>	<b>۱</b>	<b>۶</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>
<b>۶</b>	<b>۸</b>	<b>۱</b>	<b>۷</b>	<b>۹</b>	<b>۴</b>	<b>۳</b>	<b>۵</b>	<b>۲</b>
<b>۷</b>	<b>۵</b>	<b>۳</b>	<b>۲</b>	<b>۶</b>	<b>۸</b>	<b>۴</b>	<b>۱</b>	<b>۹</b>

<b>۱</b>	<b>۶</b>	<b>۴</b>	<b>۹</b>	<b>۳</b>	<b>۷</b>	<b>۲</b>	<b>۸</b>	<b>۵</b>
<b>۵</b>	<b>۲</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۳</b>	<b>۶</b>	<b>۹</b>	<b>۳</b>	<b>۱</b>
<b>۷</b>	<b>۳</b>	<b>۹</b>	<b>۱</b>	<b>۴</b>	<b>۸</b>	<b>۶</b>	<b>۲</b>	<b>۵</b>
<b>۴</b>	<b>۹</b>	<b>۳</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۲</b>	<b>۱</b>
<b>۲</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۳</b>	<b>۱</b>	<b>۹</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۴</b>
<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۳</b>	<b>۶</b>	<b>۵</b>	<b>۲</b>	<b>۱</b>	<b>۹</b>	<b>۴</b>
<b>۳</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۲</b>	<b>۶</b>	<b>۱</b>	<b>۴</b>	<b>۵</b>	<b>۹</b>
<b>۹</b>	<b>۲</b>	<b>۴</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۳</b>	<b>۵</b>	<b>۱</b>	<b>۶</b>
<b>۶</b>	<b>۱</b>	<b>۵</b>	<b>۹</b>	<b>۳</b>	<b>۴</b>	<b>۲</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>

**حل جدول ۵۳۱۷**

<b>۱۵</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۰</b>	<b>۹</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۶</b>	<b>۵</b>	<b>۴</b>	<b>۳</b>	<b>۲</b>	<b>۱</b>
<b>۵</b>	<b>۱</b>	<b>۳</b>	<b>۲</b>	<b>۴</b>	<b>۱</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>
<b>۳</b>	<b>۲</b>	<b>۴</b>	<b>۱</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۵</b>
<b>۲</b>	<b>۳</b>	<b>۴</b>	<b>۱</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۵</b>
<b>۱</b>	<b>۲</b>	<b>۳</b>	<b>۴</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۵</b>
<b>۱۵</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۰</b>	<b>۹</b>	<b>۸</b>	<b>۷</b>	<b>۶</b>	<b>۵</b>	<b>۴</b>	<b>۳</b>	<b>۲</b>	<b>۱</b>
<b>۱</b>	<b>۲</b>	<b>۳</b>	<b>۴</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۵</b>
<b>۲</b>	<b>۳</b>	<b>۴</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۵</b>	<b>۱۶</b>
<b>۳</b>	<b>۴</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۵</b>	<b>۱۶</b>	<b>۱۷</b>
<b>۴</b>	<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۵</b>	<b>۱۶</b>	<b>۱۷</b>	<b>۱۸</b>
<b>۵</b>	<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۵</b>	<b>۱۶</b>	<b>۱۷</b>	<b>۱۸</b>	<b>۱۹</b>
<b>۶</b>	<b>۷</b>	<b>۸</b>	<b>۹</b>	<b>۱۰</b>	<b>۱۱</b>	<b>۱۲</b>	<b>۱۳</b>	<b>۱۴</b>	<b>۱۵</b>	<b>۱۶</b> </				